

متن پرسش

به اسم سرای عاشقان: بیدارتر از بیداری رایج چه می‌توان گفت از غروب طلایه؟! چه می‌توان روا داشت از کرور کرور عشق جاری در دارخوین؟! نگاه نافذ حاج حسین و لبخند زیبای علم الهدی در هویزه، از ما چه می‌خواهد؟ یا زهرای (س) عملیات فتح المبین در دل خویش چه پهلو شکستن‌هایی را جنون داده است!! و در وصف بی‌توصیف کربلای این‌جا می‌توان گفت: این کشته‌ی فتاده به هامون، حسین (ع) توست.

اولاً: سپاس فراوان از شما برای این راهیان عشق. ثانیاً: آنچه مرا فرا گرفته نگاه نافذ حاج حسین در دارخوین است که سخن می‌گفت و سخنش، جان را می‌تراشید و در قلب رسوخ می‌کرد، اما افسوس از تمام شدن‌ها! افسوس از زیر و روشن شدن‌های قلب! افسوس از لشکریان جهل که غالب می‌شوند!! قلب آه می‌کشد و درد، جای خود را نشان می‌دهد و هر رفتار مستی را روانه‌ی قلب می‌کند و می‌گوید: تو این را می‌خواستی، من از من خسته نشدم، چرا که توهمی بیش نیست. این‌جا فقط دو لشکر، نقش بازی می‌کند: «عنایت محبوب» و «عدم آن»، اما افسوس از شراره‌های عاشقانه‌ای که خاموش می‌شوند. درد دلی که آن‌قدر خود را در باتلاق کثرات غرق می‌کنیم که دیگر نشانی از آن نمی‌ماند، هرچند هست. چه کنم تا در کوچه پس‌کوچه‌های مسلخ عشق، این درد فراموش نشود؟! تا ناله‌ی مستانه شود تک‌تک لحظه‌های قرب وجود. راه، مشخص است، آری! اما کنون مثل مجنونیم که لیلایش از دست رفته! نمی‌داند بنشیند گریه کند و عزا بگیرد، یا برخیزد و دنبالش رود!! گرچه «ای برون از وهم و قال و قیل من/ خاک بر فرق من و تمثیل من». آری! اگر هستی هست، لیلی است، لیک من گرفتار توهم، حال! هستی می‌طلبم. می‌دانم سید علی ۴۰ ساله سید علی شد، شاید اصلاً دردی احساس نمی‌کنم! اما خوب خوب اشتیاق جان را وجدان می‌کنم، چه کنم تا نگاه حاج حسین بماند؟ تا قرب وطن شهید درویشی سرود جان بخواند!!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان که عرض شد شهید حاج حسین خرازی <https://eitaa.com/matalebevijeh/13112> «حکایت رازی است از رازهای این تاریخ». و آینه‌ای بود تا اراده و عزم خداوند را جهت تحقق تاریخی که با انقلاب اسلامی شروع شد؛ در او بنگریم و «آینه یعنی صورت و معنی». آینه‌ها، صورت‌هایی هستند که به امری ماورای آنچه در آینه مشاهده می‌شود،

اشاره دارد و اگر بتوانیم به معنایی که آن صورت‌ها بدان اشاره دارند، نظر کنیم در واقع «در دل انگور، میّ را دیده‌ایم». و این رازِ حضور در این تاریخ است که تنها با سرمستی الهی می‌توان از سرمستی حاصل از ظلمات کفر این دوران عبور کرد. عرایضی در شرح غزل شماره ۱۲۳ در حال تدوین است. امید است سخنی باشد برای درک آیینه‌هایی مانند حاج حسین خرازی و دیگر آیینه‌هایی که شخصیت آن‌ها اشاره به حقیقت این تاریخ است. موفق باشید